

میزگرد مشترک دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی و مرکز مطالعات استراتژیک قزاقستان

میزگرد مشترک دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی با مؤسسه مطالعات استراتژیک قزاقستان در ۲۹ خردادماه ۱۳۸۷ در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی برگزار شد. در این میزگرد از کشور قزاقستان آقایان: اوتمایف سفیر جمهوری قزاقستان در ایران، بولات سلطان‌اف رئیس مؤسسه مطالعات استراتژیک قزاقستان و بولات اولبایف رئیس بخش تحقیقات سیاست خارجی مؤسسه مذکور به ایراد سخنرانی پرداختند. از طرف جمهوری اسلامی ایران آقایان دکتر موسوی مدیرکل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، صفاری مدیر کل کشورهای مشترک‌المنافع، دکتر مرادی رئیس مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دکتر بی‌نیاز رئیس مرکز مطالعات انرژی، انوری کارشناس اداره دوم مشترک‌المنافع و بهرام‌علی کارشناس وزارت نفت سخنرانی کردند.

در این میزگرد پیرامون سه مبحث روابط دو جانبه ایران و قزاقستان: چشم‌انداز و راهکارهای پیشبرد روند همگرایی منطقه‌ای، نقش سازمان همکاری شانگهای و نیز نقش انرژی در توسعه روابط دو جانبه و منطقه‌ای بحث و گفتگو شد.

جلسه نخست: روابط دو جانبه ایران و قزاقستان

در جلسه نخست آقای صفاری مدیر کل کشورهای مشترک‌المنافع اظهار داشت: ایران و قزاقستان با ظرفیت‌های متنوع در منطقه جایگاه خاصی دارند که این جایگاه سبب شده روابط دو کشور نیز در جایگاه خاصی قرار گیرد. همکاری ایران با قزاقستان در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی رشد کرده و دستاوردهای خوبی به همراه داشته است، هر چند که ظرفیت‌های موجود در دو کشور می‌تواند پاسخگوی همکاری‌های بیشتر و متنوع‌تر باشد. در

بعد سیاسی هیچ مشکلی نداریم و در این زمینه باید به سفر آقای نظریایف رئیس جمهور قزاقستان به ایران اشاره کنم که هم جنبه دو جانبه داشت و هم به منظور شرکت در اجلاس دریای خزر بود و نتایج مثبتی هم در برداشت. همکاری منطقه‌ای بین دو کشور قابل توجه است، هر دو کشور عضو مجموعه اکو هستند و در قالب آن همکاری خوبی دارند این همکاری‌ها در مجموعه سیکا و سازمان کنفرانس اسلامی هم دیده می‌شود در بعد اقتصادی می‌توان به حجم روابط تجاری دو کشور که بالای ۳ میلیارد دلار است، اشاره کرد. با توجه به جایگاه خاص قزاقستان از لحاظ ذخایر نفت و گاز در منطقه آسیای مرکزی یکی از زمینه‌های همکاری بین دو کشور در بعد انرژی، نفت و پتروشیمی بوده و احداث یک خط لوله انتقال نفت قزاقستان به سمت جنوب ایران مورد بحث و بررسی می‌باشد. در حال حاضر تا سقف ۱۵۰ هزار بشکه نفت قزاقستان از طریق ایران معاوضه می‌شود و سرمایه‌گذاری برای تأسیس پالایشگاهی در شمال ایران که از نفت قزاقستان تغذیه می‌شود، می‌تواند از جمله همکاری‌های مشترک باشد. در بخش حمل و نقل، هر دو کشور در کریدور شمال و جنوب عضو هستند و بخش عظیمی از واردات و صادرات قزاقستان به صورت ترانزیت از مسیر ایران انجام می‌شود و ارتباط خوبی در بخش کشتیرانی بین بنادر ایران و بندر اوکائو در قزاقستان وجود دارد. همچنین همکاری خوبی در بخش سرمایه‌گذاری و صنعتی بین دو کشور وجود دارد. از موارد دیگر همکاری، صدور خدمات فنی و مهندسی است، شاید بیش از یک میلیارد دلار پروژه راه‌سازی، توسط شرکت‌های ایرانی انجام شده و یا در دست اجراست و شرکت‌های دیگری در ساختمان‌سازی فعال هستند. در خصوص همکاری‌های بین‌المللی، دو کشور از طریق سازمان‌های وابسته به سازمان ملل و دیگر سازمان‌هایی که در آن حضور دارند از مواضع یکدیگر پشتیبانی کرده‌اند. رهبران دو کشور توجه خوبی به روابط فیمابین دارند و اراده سیاسی قوی برای ارتباط و همکاری‌های گسترده‌تر در سطوح مختلف وجود دارد.

سپس آقای اوتمبایف سفیر جمهوری قزاقستان در ایران اظهار داشت: با توجه به ظرفیت‌های بالای دو کشور، این تماس و ارتباط، امکانی فراهم می‌آورد تا در آینده بتوان به مسائل زیادی پرداخت. این میزگردها نباید فقط سالی یک‌بار برگزار شود، تعاملات بیشتر، نتایج مثبت و سازنده‌تری خواهد داشت. سفر ریاست جمهوری قزاقستان به ایران بسیار سودمند بود. ایشان هم با رهبر معظم انقلاب و هم با رئیس جمهور ایران دیدار داشتند. ایران و

قزاقستان عضو سازمان آکو هستند و ظرفیت‌هایی در زمینه‌های حمل و نقل و ترانزیت دارند، حمل و نقل بار که بین آستانه و استانبول در چارچوب آکو انجام می‌گیرد، می‌تواند شاخه دیگری داشته باشد که از دریای خزر به خلیج فارس و یا از بندرعباس به سرخس و سپس به تاشکند و به آستانه برسد که این امر می‌تواند یک امکان خوب همکاری حمل و نقل در چارچوب کریدور جنوب به شمال باشد. ما در زمینه آکو و سیکا همکاری‌های خوبی داریم و مؤسسات ما می‌توانند در این زمینه‌ها فعالیت نمایند و حتی می‌توانند تحقیقاتی را با کشورهای ثالث داشته باشند. در بحث افغانستان و در زمینه سازمان همکاری شانگهای، همکاری‌های خوبی می‌تواند وجود داشته باشد. بحث بازسازی عراق برای قزاقستان بسیار حائز اهمیت است. ابتکار عمل قزاقستان در برگزاری کنگره رهبران مذاهب جهانی در آلماتی که از مذاهب مختلف در آن شرکت داشتند، یکی از زمینه‌های همکاری می‌باشد که در آن مباحث امنیتی، منطقه‌ای و توافقات بین‌الملیتی می‌توانند بررسی شوند و امیدوارم در گام بعدی کارشناسان بتوانند به یک تفاهم بین‌المللی در رابطه با مسائل موجود پیرامون ادیان مختلف و مشکلات جهانی برسند. در خصوص همکاری‌های اقتصادی، از ظرفیت‌های بالایی برخوردار هستیم، البته حجم ۲/۹ میلیارد دلار قابل قبول نیست و در دیدار رؤسای جمهور دو کشور اعلام شد که این همکاری‌ها باید به ۱۰ میلیارد دلار برسد. در این زمینه همکاری‌های گازی همچنین بررسی پروژه‌های مشترکی در زمینه ذوب فلزات حائز اهمیتند. در خصوص ظرفیت‌های ترانزیتی همکاری وجود دارد و نه تنها از امکانات دریای خزر، بلکه از امکانات خلیج فارس و چابهار که به اقیانوس هند راه دارد، می‌توان استفاده کرد و حتی این امکان وجود دارد که در خلیج فارس و دریای خزر علاوه بر معاوضه نفت، گندم نیز بین دو کشور معاوضه شود. ایده ایجاد حمل و نقل تانکری در دریای خزر که از سوی ایران پیشنهاد شده است، قابل توجه است. زمینه‌های زیادی در حوزه‌های فنی و مهندسی، فضا، فناوری اطلاعات، ایجاد مرکز مشترک نانو تکنولوژی و همچنین نوسازی و خصوصی‌سازی برای همکاری و تبادل تجربیات وجود دارد. همکاری‌های استانی یکی از زمینه‌های خوب همکاری می‌باشد. در حوزه فرهنگ نیز زمینه‌های خوبی برای همکاری داریم. در نشست رؤسای جمهور دو کشور در خصوص آرشیو و تحقیقات توافق‌نامه‌هایی به امضا رسیده است. کتاب‌هایی که ایران در کتابخانه ملی دارد و آقای نظریایف از آن بازدید داشتند، می‌توانند مورد بهره‌برداری ما قرار

گیرند. بنابراین برگزاری این میزگردها به هر دو کشور کمک می‌کنند تا زمینه‌های اصلی فعالیت‌ها که می‌توانند برای سایر کشورهای منطقه نمونه باشند به مرحله ظهور برسند. در بخش پرسش و پاسخ آقای اوتمایف در پاسخ به سؤال مربوط به همکاری دو کشور در بخش‌های مختلف از جمله انرژی هسته‌ای گفت: تجربه قزاقستان و تصمیم آن کشور مبنی بر خلع سلاح هسته‌ای به صورت داوطلبانه، یک مسأله بسیار مهم برای همکاری تحقیقاتی می‌باشد. قزاقستان گام‌هایی برای ایجاد زیرساخت‌ها جهت استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای برداشته است و با روسیه در یک مرکز بین‌المللی مشترک غنی‌سازی اورانیوم که در آنگاست قرار دارد همکاری دارد، به ایران نیز برای مشارکت در آن پیشنهاد شده است. تحقیقات آنگاست می‌تواند با کمک ایران و سایر کشورها انجام گیرد و نمونه بارزی برای استفاده و همکاری صلح‌آمیز هسته‌ای تمام کشورها باشد.

آقای صفاری در پاسخ به سؤال فوق اظهار داشت: قزاقستان دارای ذخایر عظیم اورانیوم می‌باشد و به دلیل همکاری‌های گذشته خود با روسیه در روند غنی‌سازی و چرخه سوخت، تجربه خوبی در این زمینه دارد. در سال‌های گذشته گفتگوهای دو جانبه میان ایران و قزاقستان انجام گرفته است که به خاطر ایجاد سایه‌های سیاسی بر بخش هسته‌ای ایران واقعیت‌ها به خوبی نشان داده نشد. ایران استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را مد نظر قرار داده است و ما به طور مکرر اعلام کردیم، فعالیت‌های هسته‌ای ایران هیچ انحرافی نداشته و در جهت استفاده از فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای است که در تمام دنیا رایج است. با توجه به ظرفیت‌های موجود در قزاقستان، می‌توان دورنمای خوبی از همکاری‌ها در نظر گرفت.

جلسه دوم: مسائل منطقه‌ای و نقش سازمان همکاری شانگهای

ابتدا آقای دکتر مرادی، رئیس مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز به عنوان رئیس جلسه اظهار داشت: دو کشور ایران و قزاقستان در برخی تشکلهای منطقه‌ای نظیر: اکو، سیکا، سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان همکاری شانگهای که قزاقستان عضو ثابت و ایران به عنوان عضو ناظر در این سازمان می‌باشند، حضور دارند. در این میان نقش سازمان همکاری شانگهای در تحولات آتی جهان قابل تأمل خواهد بود. درخصوص جهت‌گیری‌های سازمان، دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده: برخی این سازمان را یک سازمان نو پا می‌دانند که در مسائل منطقه و بین‌المللی ایفای نقش خواهد کرد. برخی، آن را رقیب ناتو در منطقه می‌دانند و

عده‌ای دیگر تنها به جنبه‌های اقتصادی آن توجه دارند. با این حال سازمان همکاری شانگهای می‌تواند اهداف بزرگتری را برای خود ترسیم نموده و با بهره‌برداری از ظرفیت اعضای ثابت و ناظر، در آینده نقش بزرگتری را در منطقه و جهان تعقیب نماید.

آقای سلطان‌اف رئیس مرکز مطالعات استراتژیک قزاقستان گفت: وقتی از فعالیت‌های سازمان همکاری شانگهای صحبت می‌کنیم، نگاه ما به آن سازمان به عنوان یک سازمان اوراسیایی است. سازمان همکاری شانگهای کشورهایی را در برمی‌گیرد که از لحاظ سیاسی و جغرافیایی دارای تنوع هستند، لذا مشکلاتی را هم در پیش روی خود دارد که باید این مشکلات حل شود تا آن سازمان به یک سازمان بین‌المللی تبدیل گردد. نمی‌توانیم سازمان بین‌المللی داشته باشیم که اعضای آن با یکدیگر مناقشه داشته باشند. از مشکلات سازمان همکاری شانگهای، رقابت شدید برای دستیابی به منابع ذخایر گازی و نفت منطقه و همچنین علاقمندی مختلف روسیه و چین و آمریکا در این سازمان می‌باشد. ارزش کشورهای آسیای مرکزی در سازمان همکاری شانگهای به یک اندازه است و با دو کشور چین و روسیه ارزش یکسانی دارند، هرچند از نقش رو به افزایش چین و روسیه در جهان معاصر نمی‌توان چشم پوشید. بحث مربوط به ذخایر نفت و گاز به ویژه در دریای خزر و همچنین خطوط نفتی جدید از علاقمندی‌های روسیه، چین و آمریکا به آسیای مرکزی می‌باشد. آمریکا، چین، روسیه و ناتو برای ارائه تسهیلات نظامی در آسیای مرکزی با یکدیگر رقابت می‌کنند. با توجه به عملکرد آمریکا در عراق و افغانستان ما در آسیای مرکزی شاهد رشد نظرات ضد آمریکایی هستیم. از یک سو تفکرات ضد آمریکایی وجود دارد و از سوی دیگر نخبگان نسبت به قدرت گرفتن روسیه و چین احساس خطر می‌نمایند و آمریکا را به عنوان موازنه قدرت در مقابل چین و روسیه می‌دانند. برخی از کارشناسان معتقدند که روسیه نزدیکی با چین را به عنوان یک ابزار فشار در مقابل آمریکا در پیش گرفته است. هر دو کشور به کاهش تأثیرگذاری آمریکا در منطقه آسیای مرکزی علاقمند هستند و این یکی از موتورهای همکاری برای چین و روسیه در سازمان همکاری شانگهای می‌باشد ولی نمی‌خواهند به روابط آنها با آمریکا نیز آسیب برسد. روسیه بر این باور است که سازمان همکاری شانگهای باید در مقابل تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی قرار گیرد و چین بیشتر به بحث اقتصادی و گسترش روابط تجاری و اقتصادی در چارچوب سازمان توجه دارد. از جمله مسائل متعددی که وجود دارد احداث خط لوله غرب قزاقستان به غرب چین و احداث بخش راه جاده‌ای مربوط به قزاقستان که از چین به روسیه و

اروپا کشیده می‌شود تا پایان سال ۲۰۱۱، احداث راه جاده‌ای و راه آهن میان چین و قرقیزستان و ازبکستان، احداث خط گاز از ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان به چین و احداث خط لوله نفت از جنوب ایران به قزاقستان می‌باشد. ما معتقدیم که منطقه آسیای مرکزی برای چین به عنوان یک منطقه ترانزیت برای نفوذ از طریق روسیه به اروپا و از طریق قزاقستان و ترکمنستان به ایران و کشورهای خاورمیانه و نزدیک بسیار حائز اهمیت است. اگر بتوانیم خط لوله غرب قزاقستان به غرب چین را احداث نماییم، ایده جدیدی مبنی بر احداث خط لوله از چین تا جنوب ایران به وجود خواهد آمد و منافع امنیتی ایران، آسیای مرکزی و چین در یک جهت قرار می‌گیرد. برای چین احداث خطوط بر روی خشکی که امکان کنترل آن خطوط توسط نیروهای دریایی و هوایی آمریکا میسر نباشد، بسیار حائز اهمیت است.

در حال حاضر نسبت به عضویت پاکستان و هند که در یک رویارویی با هم هستند و یا در خصوص عضویت هند که یک رقیب برای چین به شمار می‌آید، چشم‌انداز مثبتی وجود ندارد. باید دید چطور می‌توان منافع کشورهای مختلف را در چارچوب منافع سازمان با هم جمع کرد؛ این عضوگیری سازمان را تقویت می‌کند یا برعکس؟ مثلاً در صورت پذیرش هند معتقدیم که میان هند و چین مشکلاتی بروز خواهد کرد. در مورد پاکستان نیز به خاطر وجود روابط خاص میان روسیه و چین، موازنه بین آن دو کشور بهم می‌خورد. در مورد ایران، باید مسائل مربوط به عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای را حل کنیم. البته عضویت ایران می‌تواند از سوی واشنگتن، معضلی برای غرب و آمریکا تلقی گردد، در غرب نگرانی این است که سازمان شانگهای به یک سازمان نظامی و استراتژیک در مقابل ناتو تبدیل شود. لذا عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای از دیدگاه غرب می‌تواند یک باشگاه انرژی بسیار قوی در آن سازمان ایجاد نماید و ایران، روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان می‌توانند تأثیر بسیار زیادی بر بازارهای حامل انرژی و وضعیت آن در جهان داشته باشند. از سوی دیگر اختلاف نظراتی که در خصوص مسأله هسته‌ای ایران وجود دارد، می‌تواند در صورت عضویت ایران، سازمان همکاری شانگهای را وارد مباحثه با آمریکا نماید. ما معتقدیم باید مسأله عضویت ایران، هند، پاکستان و آمریکا بر اساس معیارهای عضوگیری در سازمان مورد بررسی قرار گیرد که بر اساس آن معیارها، می‌بایست اصولی وجود داشته باشند و آن اصول عبارتند از اینکه کشورهای خواهان ورود به سازمان همکاری شانگهای باید قوانین ملی خود را به موازین حقوقی سازمان شانگهای متصل کنند. این سازمان با افسراط‌گرایی، جدایی‌طلبی و تروریسم

مبارزه می‌کند و ما همه باید این موارد را مد نظر قرار دهیم، بدون اینکه این مبارزه‌طلبی علیه دین، ملیت، مذهب و کشوری خاص باشد. با استانداردهای دوگانه نمی‌توان موارد را حل و فصل نمود. یعنی اگر آمریکا می‌خواهد وارد سازمان همکاری شانگهای شود باید از مبارزه با اسلام دست بردارد. آمریکا در مقابل اسرائیل و ایران استانداری دوگانه دارد. اعضای سازمان همکاری شانگهای و کشورهایی که می‌خواهند عضو آن سازمان شوند باید پایبند به اصول حل و فصل بین‌الدولی بدون استفاده از زور باشند و از ثبات سیاسی و اقتصادی نیز برخوردار باشند. مسائل مربوط به دریای خزر باید فقط توسط کشورهای پیرامون این دریاچه حل و فصل گردد و ما مخالف نظامی‌سازی این مسأله هستیم و با انتقال حامل‌های انرژی این منطقه بدون توافق با سایر کشورها مخالفیم.

سخنران بعدی جلسه دوم آقای انوری اظهار داشت: سازمان همکاری شانگهای بی‌تردید از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر کشورهای منطقه و در موضوعات منطقه است. چشم‌انداز و ظرفیت‌های بالقوه آن سازمان چنان است که هیچ کشوری حتی در مناطق پیرامون نمی‌تواند نسبت به برقراری حداقل تعامل با این سازمان چشم‌پوشی نماید بر این اساس حتی آمریکا مایل است با این سازمان همکاری داشته باشد. در حال حاضر سازمان همکاری شانگهای به طور بالقوه شامل ۱۲ کشور است که ۶ کشور عضو دائم و ۴ کشور عضو ناظر و دو کشور عضو میهمان هستند و این وضعیت نشان می‌دهد که سازمان تعریف خاصی از اعضا در درون خود دارد. ضرورت‌های اقتصادی، امنیتی و ژئوپلیتیک در توسعه سازمان حائز اهمیت است. در زمینه اقتصادی، حجم مبادلات تجاری بین اعضای سازمان در سال ۲۰۰۴، به ۳۰ میلیارد دلار رسید. در زمینه امنیتی، کشورهای عضو به این حقیقت آگاهی یافته‌اند که شرایط منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کنند ایجاب می‌کند تا نسبت به ارائه تعریفی از امنیت و تأمین آن مستقیماً اقدام کنند. ضمن آنکه دستیابی به هدف اولیه سازمان یعنی رفع نگرانی امنیتی و مقابله با سه عنصر افراط‌گرایی، تروریسم و جدایی طلبی هنوز از اولویت‌های اصلی همه اعضا شمرده می‌شود. لذا در الحاق هر کشوری باید به تحلیل منافع متقابل سازمان و اعضا و مزیت‌های اعضا بپردازیم. ایران به لحاظ ژئوپلیتیک، امنیتی و اقتصادی دارای مزیت‌هایی است که بی‌تردید عضویت کامل ایران موجب ارتقای ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سازمان همکاری شانگهای خواهد شد. به اختصار به این مزیت‌ها اشاره می‌شود: مزیت‌های اقتصادی، جمهوری اسلامی ایران تولید کننده‌ای است که دارای ظرفیت‌های عظیم و متنوع برای ایجاد نقش راهبردی در بازار

تعمالات انرژی منطقه خزر و آسیای مرکزی می‌باشد. موضوع حمل و نقل مهمترین بخش همکاری‌های دو جانبه ایران با کشورهای آسیای مرکزی بوده است و ایران بعد از استقلال این کشورها، دستیابی به آبهای آزاد و جابجایی کالاهای آن کشورها را فراهم کرده است و بدیهی است در قالب سازمان همکاری شانگهای می‌تواند روابط را تقویت نماید. به لحاظ امنیتی، امنیت ایران به ویژه با توجه به تهدیدات و نگرانی‌های امنیتی مشترک همچون تروریسم و افراط‌گرایی به طور اصولی با منطقه آسیای مرکزی پیوند خورده و از این رو امنیت پایدار در منطقه مستلزم حضور و همکاری جدی ایران در ترتیبات امنیتی منطقه‌ای از جمله در چارچوب سازمان همکاری شانگهای است. به لحاظ ژئوپلیتیک ایران موقعیت رابط را در بین چند منطقه آسیای غربی، آسیای مرکزی و قفقاز، خاور مرکزی و خلیج فارس بر عهده دارد. با وجود مبهم بودن مرزهای جداکننده این مناطق، معضلات و دغدغه‌های امنیتی گوناگونی وجود دارند که بدون استثنا امنیت ایران را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. پیوند مثبت با هر یک از مناطق می‌تواند بخشی از دغدغه‌ها را تعدیل نماید. به نظر می‌رسد، سازمان در خصوص پذیرش اعضای ناظر به عنوان عضو کامل و حتی تنظیم ساز و کار تعامل با اعضای ناظر بسیار کند و انفعالی عمل کرده است و این تعلل سازمان می‌تواند از یک سو موجب کاهش رغبت کشورهای گردد که به طور جدی چشم به همکاری با سازمان دارند و از سوی دیگر به طور متقابل می‌تواند باعث تأخیر در رشد و قدرتمندی خود سازمان گردد.

جلسه سوم: همکاری دو کشور در زمینه انرژی

در ابتدای جلسه آقای دکتر بی‌نیاز رئیس مرکز مطالعات اقتصاد بین‌الملل و انرژی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی به عنوان رئیس جلسه اعلام داشت: فهرست وسیعی از پروژه‌ها میان دو کشور وجود دارد. اگر رؤسای جمهور قزاقستان و ایران معتقدند که همکاری‌ها باید از ۳ میلیارد دلار به ۱۰ میلیارد دلار افزایش یابد، این همکاری‌ها نیازمند پول و سرمایه است. اگر خارجی‌ها در این خصوص سرمایه‌گذاری کنند، مطمئناً اول منافع خود را مد نظر قرار خواهند داد، بنابراین دو کشور باید منابع بومی خودشان را بکار گیرند. چرا ایران و قزاقستان از سود فروش نفت به عنوان بازیگران اصلی بهره نبرند و خود با تعیین قیمت نفت، آن را پیش فروش نکنند. اگر ما این نوع از همکاری را دنبال کنیم، خطرات سیاسی را کاهش می‌دهیم. وی دو پیشنهاد مطرح نمود: ... راسته، گسترش حمل و نقل نفت و گاز، به موقعیت ایران به

عنوان یک مرکز و قطب فناوری نفت و گاز نگاه کنند. ایران ظرفیت‌های بسیار بالایی دارد و برخوردار از کارشناسان جوان و خوش فکر است و در صورت تشکیل شبکه نفت و گاز توسط ایران و قزاقستان، هر دو کشور می‌توانند به عنوان قطب فناوری انرژی مطرح باشند.

ثانیاً، از آنجا که ایران و قزاقستان دارای منابع سوخت هستند، می‌توانند سرمایه‌گذاری خود را در آینده در زمینه‌هایی همچون حمل و نقل دریایی، هوایی و ذوب فلزات که به مصرف بالای انرژی نیاز دارند توسعه دهند. زیرا در آینده کشوری به صورت بلند مدت در بخش حمل و نقل دریایی و هوایی وضعیت نسبی برتر دارد که تأمین سوخت برای آن کشور هزینه بالایی نداشته باشد، بدین ترتیب هر دو کشور در بلند مدت جایگاه خود را در بازارهای جهانی به شکل مسالمت‌آمیز پیدا خواهند کرد.

در ادامه جلسه، آقای اولیایف به عنوان اولین سخنران جلسه سوم اظهار داشت: لازم است بررسی شود که موضع قزاقستان در خصوص انرژی چیست. قزاقستان ذخایر بزرگ حامل‌های انرژی از قبیل نفت و گاز و اورانیوم دارد همچنین از لحاظ ذخایر نفت در جایگاه هشتم جهان و بین کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در جایگاه دوم قرار دارد. ذخایر قزاقستان حدود ۱۳۱۸ میلیارد تن است و می‌تواند نقش مهمی در انتقال حامل‌های انرژی در جهان داشته باشد. با توجه به افزایش تقاضای جهانی برای انرژی، قزاقستان افزایش صادرات منابع هیدروکربنی را در اولویت قرار داده است و همچنین احداث خطوط لوله جدید برای قزاقستان حائز اهمیت است. از نظر قزاقستان، خطوط لوله نفت روسیه نباید یک موضوع رقابتی بین کشورهای منطقه و جهان برای دستیابی به حامل‌های انرژی آسیای مرکزی باشد، بلکه باید، ابزاری مطمئن در جهت تأمین امنیت جهانی و منطقه و کمک به گسترش اقتصاد جهانی باشد. با توجه به زیر ساخت‌های موجود، همکاری با روسیه به عنوان یک همکار سنتی، اجتناب‌ناپذیر است، در حال حاضر خطوط لوله نفت قزاقستان به سیستم خطوط لوله نفت روسیه متصل است. در سیاست‌های انعطاف‌پذیر قزاقستان و همکاری با ایران معاوضه نفت مد نظر است، قزاقستان در پی دستیابی به تکنولوژی و سیاست‌هایی است که بتواند روابط خود را به صورت فعال گسترده‌تر نماید. گسترش روابط و همکاری ایران و قزاقستان با موانع جدی روبروست مانع اول موقتی و عینی است، عینی از آن جهت که ما حدود ۷۰ سال روابط دوجانبه نداشته‌ایم و هنوز ملت‌ها نمی‌توانند فعالانه با هم ارتباط داشته باشند، زیرا زبان یکدیگر را نمی‌فهمند. این مانع مقطعی است و دورنمای حذف آن وجود دارد. مانع دوم نبود

زیرساخت‌های حمل و نقل مناسب است. ما با روسیه و چین روابط خوب و رو به گسترش داریم، زیرا موانع مذکور در این رابطه وجود ندارند. نوع دوم از موانع به بوروکراسی برمی‌گردد. در سال ۲۰۰۴ و حتی اوایل سال ۲۰۰۰ حدود ۴۰ سند مشترک جهت حل و فصل مسائل و تنظیم روابط در زمینه حمل و نقل و سایر زمینه‌ها به امضا رسید و من گمان می‌کنم با تفاهم متقابل بیشتر، دو کشور می‌توانند این موانع را پشت سر بگذارند. بین دو کشور ایران و قزاقستان دورنمای خوبی در خصوص امکان ایجاد شبکه‌های انتقال حامل‌های انرژی مشترک چه به عنوان ترانزیت و چه به عنوان مکانی برای استحصال و استفاده از انرژی وجود دارد. در زمینه هسته‌ای دورنمای خوبی ترسیم شده است و در حال حاضر لازم است از لحاظ حقوقی مسائل حل و فصل گردد.

در ادامه جلسه آقای بهرام‌علی از کارشناسان وزارت نفت اظهار داشت: کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و حوزه خزر اقتصاد و توسعه اجتماعی خود را بر اساس منابع موجود و گفتمان سازنده با دیگر کشورها پیش می‌برند. این منابع تبدیل به موتور توسعه آن کشورها می‌گردد. توسعه و استخراج منابع دریای خزر و اتصال به بازارهای مصرف، نیاز به سرمایه‌گذاری در بخش تکنولوژی و همکاری منطقه‌ای دارد. این همکاری علاوه بر توسعه کشورهای منطقه در عرضه انرژی، برای مصرف کنندگان در جهان نیز بسیار سودمند و ضروری است و جلوگیری از سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز برای هر کدام از کشورهای منطقه، مانعی برای پیشرفت همکاری‌های انرژی برای کلیه کشورها خواهد شد. مشارکت و همکاری بین کشورهای منطقه در جهت تقلیل هزینه برداشت و انتقال انرژی به عنوان یک برنامه مشترک بین کشورهای منطقه، به رقابتی بودن انرژی منطقه با سایر انرژی‌های جهان کمک خواهد کرد. ژئوپلیتیک خاص منطقه ایران و همچنین شبکه گسترده خطوط نفت و گاز و راه آهن ایران و زیرساخت‌های دیگر که می‌تواند نفت و گاز تولیدی کشورهای حوزه دریای خزر، آسیای مرکزی و قفقاز را در داخل ایران به مصرف رسانده و یا آن را به دیگر بازارهای بین‌المللی منتقل نماید، حائز اهمیت است. انرژی ایران به ویژه نفت و گاز در جنوب کشور قرار دارد و مصرف فرآورده‌های انرژی در شمال کشور می‌باشد. بر همین اساس ایران می‌تواند مقدار زیادی از نفت و گاز حوزه دریای خزر و کشورهای آسیای مرکزی را در شمال مصرف کند و نفت و گاز خود را به همان میزان در خلیج فارس به آن کشورها تحویل دهد. کشور قزاقستان یکی از غنی‌ترین کشورهای حوزه دریای خزر از لحاظ منابع نفت و گاز است. از ۱۵۱ میلیون بشکه

نفت ایران که تا کنون با کشورهای منطقه معاوضه شده است، حدود ۶۵٪ آن به قزاقستان اختصاص داشته است. با توجه به اینکه دولت قزاقستان در نظر دارد تولید خود را تا سال ۲۰۱۵ و حداکثر تا سال ۲۰۲۰ به ۳/۵ میلیون بشکه نفت خام برساند، بنابراین انتقال نفت خام قزاقستان از طریق ایران بهترین مسیر خواهد بود. حدود ۵۰۰ هزار بشکه نفت قزاقستان از طریق خط لوله نکا - ری وارد می‌شود و در پالایشگاه‌های شمالی کشور از جمله تهران، تبریز، اصفهان و اراک مصرف می‌شود و همین مقدار به آنها در خلیج فارس تحویل می‌شود. یکی دیگر از موارد مورد استفاده نفت قزاقستان، از طریق پالایشگاه کاسپین می‌باشد که طراحی آن انجام شده است و ظرفیت آن ۳۰۰ هزار تن است. راه دیگر استفاده از منابع نفتی قزاقستان، خطوط نکا - جاسک می‌باشد که مطالعات امکان‌سنجی آن در حال انجام و ظرفیت آن حدود یک میلیون بشکه در روز است. این خط ۱۵۰۰ کیلومتر طول دارد که نفت و گاز کشورهای منطقه دریای خزر و آسیای مرکزی را مستقیماً به دریای عمان منتقل می‌کند.

در پایان، آقای دکتر موسوی مدیرکل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، از برگزاری این میزگرد و طرح سؤالات مفید در آن ابراز خوشنودی نمود. ایشان همچنین اظهار داشت: آینده‌نگری برای هر دو کشور ضروری است و در این راستا نقش هر دو مؤسسه حائز اهمیت می‌باشد. پیشنهادات کاربردی و مفید دو مؤسسه گامی است مثبت برای طرح‌های سازنده در آینده. در خصوص عضویت ایران و همکاری در بخش انرژی با سازمان لازم است دو مؤسسه به منظور خروج از این وضعیت پیچیده تصمیمات مناسبی اتخاذ نمایند، همچنین برای عملیاتی شدن خط لوله قزاقستان - ترکمنستان - ایران مطالعات و بررسی‌های دقیق انجام شده و پیشنهاداتی ارائه شود. نباید منتظر بهبود روابط ایران با آمریکا باشیم. در شرایط فعلی، باید برای خروج از این وضعیت راهکارهایی درست انتخاب شوند که اساس پژوهش و تحقیقات نیز بر همین روال است.

آقای سلطان‌اف اظهار داشت: کسی که منتظر بماند، می‌بازد و لذا نباید منتظر بهبود روابط ایران و آمریکا باشیم، باید روند همکاری‌ها از جمله خطوط لوله نفت ایران - قزاقستان - ترکمنستان به دقت بررسی و مطالعه شوند.

ملاحظه

مؤسسه مطالعات استراتژیک قزاقستان به منظور تحلیل و پیش‌بینی ابعاد راهبردی سیاست داخلی و خارجی جمهوری قزاقستان در ۱۶ ژوئن سال ۱۹۹۳ براساس دستور رئیس جمهور قزاقستان شکل گرفت که فعالیت این مؤسسه تحت نظارت رئیس جمهور قزاقستان می‌باشد.

این مؤسسه دارای ۳ معاونت، یک دبیر علمی و چهار بخش تحقیقات سیاسی-اجتماعی، تحقیقات سیاست خارجی، تحقیقات اقتصادی و بخش تأمین خبری و انتشارات می‌باشد همچنین از روابط علمی با مراکز مطالعاتی و دانشگاهی در جهان حمایت می‌کند و با ۲۳ مرکز در آمریکا، ۵ مرکز در انگلیس، ۱۷ مرکز در آلمان، ۶ مرکز در فرانسه، ۴ مرکز در چین، ۸ مرکز در روسیه، ۲ مرکز در اوکراین، ۸ مرکز در ژاپن، ۲ مرکز در هند، ۵ مرکز در پاکستان، ۴ مرکز در ترکیه و با مراکزی در بلاروس، گرجستان، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان، سوئد، سوئیس، نروژ، دانمارک، هلند، ایتالیا، مجارستان، چک، بلغارستان، مصر، مغولستان و نیز دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی در ایران همکاری دارد. این مؤسسه یک سایت به سه زبان انگلیسی، روسی و قزاقی و چهار نشریه به شرح زیر دارد: ۱. فصلنامه انگلیسی امور آسیای مرکزی ۲. فصلنامه روسی قزاقستان ۳. فصلنامه تاریخ و جامعه به زبان قزاقی ۴. مجله روسی تحلیل که ۶ بار در سال منتشر می‌شود.

امیر رضانی

مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز